



# پناهندگی سیاسی: مفهومی باجنبه‌های متعارض

نویسنده: حمید نظری

گزیدن در يك محل امن را می‌توان گزینه‌ای مشترک در همه جانداران توصیف کرد. همین ترس غریزی، انسان اولیه را که از ابزار دفاعی کمی برخوردار بود به جانب غارها و شکاف کوه‌های صعب‌العبور کشاند. بعدها با گرد آمدن انسان‌ها به دور یکدیگر و تشکیل جوامع ابتدایی، ترس از نیروهای مافوق‌الطبیعه و جانوران جای خود را به ترس از همنوعان داد.

مالکیت ابزار شکار و کشاورزی و سپس تملک زمین که منبع اولیه درگیری‌ها و جرائم در جوامع ابتدایی بود، انگیزه‌های اصلی فرار بخاطر ترس از جان را تشکیل می‌داد. در آن زمان که هنوز واحدهای حاکمیت و دولت شهرها (CITY STATES) بوجود نیامده بود و فرار بخاطر ترس از جان بیشتر جنبه شخصی داشت، ادیان با وضع مقرراتی حمایت از پناهندگان را به عهده داشتند. تورات مقرراتی جهت تأسیس شهرهایی بمنظور پناه دادن به مجرمین، منجمله قاتلینی که از انتقام بستگان مقتول در فرار بودند، برقرار ساخت. معابد یونانی و مجسمه‌های امپراطوران و عقابهای رومی و کلیساهای اوان مسیحیت نیز مفاهیم مشابهی از حمایت شخصی را ارائه می‌کردند.<sup>(۱)</sup> این ترتیبات بمنظور ایجاد محل امن برای افراد در جوامعی بود که سیستم‌های عدالت جزائی در آنها بوجود نیامده بود و امکان متناسب بودن انتقام با مجازات با جرم ارتكابی وجود نداشت.

با رشد اولین امپراطوری‌ها و بعداً شهرها، مکانیسم‌های دولتی برای اجرای قوانین جزائی و مدنی بکار افتاد و مفهوم پناهندگی از حفاظت افراد در مقابل انتقام خویشاوندان به حمایت ناراضیان در مقابل قدرت رژیم‌های در حال ظهور تغییر یافت.

باگذشت زمان انگیزه‌های پناهندگی از اشکال ساده خود به صور پیچیده‌تری تغییر یافت. در اروپای قرون وسطی و حتی بعد از آن، کلیسا که در ابتدای پیدایش مسیحیت مأمونی برای پناهندگان بود، با مبارزه با نظریات و افکار جدید و تفتیش عقاید (انگیزیسیمون) از طریق ایجاد دادگاه‌ها و شوراهای ویژه و محکوم کردن مخالفین کلیسا و سلطنت به اسم کافر، امواج جدید پناهندگان را بوجود آورد که از ترس جان به هر گوشه می‌گریختند. در ایتالیا و اسپانیا کسانی چون تور کمادا «TORQUEMADA» و زمینه «XIMENES» از چهره‌های شناخته شده انگیزیسیمون به شمار می‌رفتند.

در طول دوره رنسانس و ظهور دولت‌های جدید، ترکیبی از انگیزه‌های مذهبی و اقتصادی باعث پناهندگی افراد یا اتخاذ سیاست‌های اخراج و پذیرش از طرف دولت‌ها می‌شده است. برای مثال پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها تنها براساس وابستگی به فرق مذهبی مختلف کلیسا با یکدیگر در نبرد بودند و توسط برخی حکومت‌ها تبعید شده یا از سوی بعضی دیگر پذیرفته می‌شدند. در اسپانیا نیز فرمانروایان «مسیحی» و «مور»<sup>(۲)</sup> بدنبال انتقال پیاپی قدرت که در اثر مناقشات آنها صورت می‌گرفت، پیروان یکدیگر را اخراج و تبعید می‌کردند و تبعیدیان به مکانهایی که تحت کنترل هم مذهبانشان بود می‌رفتند. در فرانسه پس از انقلاب، دولت انقلابی بعد از برچیدن سلطنت اموال متحذین آن یعنی روحانیون و موقوفات کلیساها را بعنوان پرداخت دیون آنها به

شاید دور اخیر مذاکرات ژنو که بار دیگر ابرقدرتها را برای تسهیم منافع در خاک ستم زده افغانستان بر سر یک میز نشانده است و یادآوری وضع نابسامان بیش از پنج میلیون آواره افغانی که در بی تجاوز خارجی و اشغال کشورشان به خاک دو کشور همسایه یعنی پاکستان و ایران پناهنده شده‌اند، بهانه مناسبی برای تدقیق در وضع این آوارگان باشد. با این وجود حضور بیش از ۱۴ میلیون پناهنده از ملیت‌های گوناگون در سرتاسر جهان که حدود ۲ میلیون نفر آنها را پناهندگان فلسطینی تشکیل می‌دهند ما را بر آن می‌دارد که به بررسی دقیق‌تر وضع آوارگان در جهان و در اصل به بررسی سیستماتیک پناهندگی از جهات گوناگون بپردازیم.

بطور کلی پناهندگی از جمله مسائلی است که متضمن جنبه‌های متعارضی میباشد. از طرفی در حالیکه علت‌های موجد این پدیده عمدتاً سیاسی است، همواره سعی شده است که حمایت از پناهندگان و حفظ حقوق آنها عملی صرفاً انساندوستانه قلمداد شود. به همین علت آنچه امروزه بیشتر اهمیت یافته است، تحریک عواطف انسان دوستانه ملل نسبت به حضور جمعیت پناهنده در مناطق مختلف جهان بمنظور جذب کمک‌های بین‌المللی برای رفع معضلات آنان به صورت موقتی میباشد، بدون آنکه به سرچشمه گل‌آلود این رود توجهی شده باشد. چه بسا که علل پدیدآورنده امواج پناهنده، در کیفیت کمک‌های بین‌المللی به آنان نیز موثر بوده است.

یکی دیگر از وجوه متعارض در این حقیقت نهفته است که پناهندگان که خود قربانیان سیاست‌هایی از نوع تجاوز خارجی، جنگ، عدم تحمل عقیده مخالف، و اعمال زور و فشار میباشند، خواسته یا ناخواسته از سوی دولت‌ها بعنوان ابزارهای سیاست خارجی جهت اعمال فشار بر سایر کشورها بکار گرفته می‌شوند.

وبالاخره اینکه، آنان که در جستجوی آرامش از سرزمین اجدادی خود متواری می‌شوند در اثر ناملازمات گوناگون اقتصادی و اجتماعی و عوارض ناشی از عدم انطباق فرهنگی و سایر مسائل پیچیده‌ای که در جوامع پذیرنده با آن روبرو هستند، به موجوداتی ناپایدار، نگران و نیازمند تبدیل می‌گردند که در اغلب موارد نیاز مبرم مادی و معنوی، آنان را به راه‌های ناخواسته می‌کشاند. ما در این بررسی مجمل سعی داریم تا جنبه‌های مختلف مسئله پناهندگی منجمله سوابق تاریخی و انگیزه‌های پناهندگی، مبانی حقوقی پناهندگی، حقوق متقابل دولت‌ها و پناهندگان و الزامات بین‌المللی آنها، نهاد‌های بین‌المللی که برای حمایت از پناهندگان بوجود آمده‌اند، آثار و عواقب پناهندگی‌های دسته جمعی و جابجانی‌های جمعیتی، مشکلات و تبعات حضور پناهندگان در جوامع، و بالاخره راه‌های پذیرفته شده بین‌المللی برای حمایت از پناهندگان را بررسی کرده و در پایان بعنوان نمونه‌های روشن به حضور آوارگان افغانی در ایران و پاکستان و وضع آوارگان فلسطینی اشاراتی داشته باشیم. امیدواریم که در این راه موفق شویم.

سابقه تاریخی و انگیزه‌های پناهندگی

بطور بسیار ابتدایی، پدیده ترس از جان در مقابل یک خطر خارجی و پناه

● درحالیکه علل پدیده پناهندگی عمدتاً سیاسی است، همواره سعی شده است که حمایت از پناهندگان و حفظ حقوق آنها صرفاً انسان دوستانه قلمداد شود.

● ما امروز در پناه دادن به آوارگان افغانی و عراقی در سرزمین خود به ترکیبی از آموخته‌های اسلام و سنن ایرانی در حمایت از حقوق ضعفا مستظهر هستیم.

غالباً چنین نتیجه گرفته می‌شود که «بهبود و رعایت حقوق بشر» و «کاهش و خامت اوضاع اقتصادی» می‌تواند خطر جابجانی‌های کنترل نشده جمعیت را کمتر سازد.<sup>(۳)</sup> در گزارشی که اخیراً جهت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تهیه شده است، چنین استدلال میشود که هرگونه مطالعه اوضاع پناهندگی در جهان، می‌بایست تفاوت فاحش درآمدها در سطح جهان و نقض حقوق بشر را در نظر بگیرد.<sup>(۴)</sup>

باید اذعان کرد که جدا از حربه‌های تبلیغاتی دولت‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و با وجود تعدد دلایل پناهندگی، هنوز هم ترس از جان و جستجو برای زندگی بهتر هسته مرکزی این دلایل را تشکیل می‌دهد. مطالعه اوضاع اقتصادی و سیاسی آندسته از کشورها که سرزمین اصلی جمعیت امروزی پناهندگان در جهان میباشند و همچنین بررسی جنگ‌ها، دگرگونی‌های داخلی و انقلابات، خشکسالی‌ها و حوادث طبیعی در جهان امروز موید این نظر میباشند.

### سنت اعطای پناهندگی در ایران و اسلام

همانطوریکه اشاره شد امر پناهندگی و فرار برای جستن مامن، پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر است. هرچند که امروزه دولت‌ها در اعطای پناهندگی سیاست‌های خاصی را اعمال کرده و به منافع مشخصی چشم دوخته‌اند، با این وجود سنت اعطای پناهندگی و حمایت بشردوستانه از آوارگان همواره یکی از سنن و آداب بوده است که تمدن جوامع از آنها رنگ می‌گرفته است.

ما امروز در پناه دادن به آوارگان افغانی و عراقی در سرزمین خود به ترکیبی از آموخته‌های اسلام و سنن ایرانی در حمایت از حقوق ضعفا مستظهر هستیم. آگاهی از این آموخته‌ها و سنت‌ها که دستمایه فرهنگی جامعه ما را تشکیل می‌دهد، به شناخت بهتر دلایل پذیرش آوارگان در سرزمین مان کمک می‌کند. بدین جهت برای یافت ریشه‌های حمایت از پناهندگان در ایران و اسلام به تاریخ استناد می‌کنیم.

برای شناخت سنت اعطای پناهندگی در ایران قبل از اسلام، شاهنامه فردوسی یعنی شناخته شده‌ترین و معتبرترین متن تاریخی که حوادث این دوران را بازگو می‌کند در اختیار ماست و بهترین مورد در این زمینه داستان سیاوش است که فردوسی اثرابنحوی جذاب و دلکش بیان نموده است. در جای جای داستان سیاوش، فردوسی با معیار حب وطن بر رفتارهای قهرمانان داستان ارزش می‌نهد و خواننده را به قضاوت می‌نشانند و رفتار ناجوانمردانه افراسیاب با سیاوش را که به وی پناهنده شده است، در مقابل رفتار بزرگوارانه کاوس شاه در رابطه با پناهندگی فرنگیس مادر کیخسرو قرار میدهد. برای بی بردن به ریشه قضایا خلاصه‌ای از داستان را بازگو می‌کنیم:

سیاوش فرزند کیکاوس است از مادری تورانی الاصل که کاوس وی را در شکارگاهی نزدیک مرز توران یافته است:

نیایم سپهدار گرسیوزست بدان مرز خرگاه اوپروزست<sup>(۵)</sup>

سودابه که پس از مرگ مادر سیاوش به همسری شاه درآمده است به سیاوش نظر دارد و از آنجا که سیاوش به خواسته نامشروع وی تن نمی‌دهد، سودابه از وی نزد شاه سعایت میکند. سیاوش می‌پذیرد که به آئین زمان برای اثبات بی‌گناهی از میان توده آتش افروخته عبور کند. او از این آزمایش سرافراز بیرون می‌آید ولی آتش خشم سودابه و دیگر درباریان بدخواه همچنان شعله‌ور می‌ماند. در این میان به کاوس خبر می‌رسد که افراسیاب پیمان شکسته و به ایران زمین حمله کرده است. کاوس از پهلوانان داوطلب می‌خواهد که به جنگ افراسیاب بروند. سیاوش قدم پیش می‌نهد، به این امید که از جور بدخواهان دربار پدرش درامان باشد و به همراهی رستم به سوی توران لشکر می‌کشد.<sup>(۶)</sup>

از طرف دیگر افراسیاب خواب وحشتناکی می‌بیند و موبدان و معبران خواب به وی هشدار می‌دهند که جنگ سیاوش به برچیده شدن حکومت وی منجر خواهد شد و سیاوش چه پیروز گشته و چه کشته شود به ضرر افراسیاب است و بهتر است که او از جنگ با سیاوش بپرهیزد. افراسیاب بنابراین توصیه می‌کشد که سیاوش را از جنگ بازدارد. بدین جهت گرسیوز را به همراهی تعدادی از نزدیکان خود و کنیزان و هدایا نزد سیاوش می‌فرستند.<sup>(۷)</sup> سیاوش ماجرا را به کاوس خبر می‌دهد و صلاح را در آن می‌بیند که پیشنهاد

دولت مصادره کرده برای کلیساها مقررات ویژه‌ای وضع نمود. برحسب مقررات جدید کشیشان هرمنطقه می‌بایستی توسط مردم همان منطقه انتخاب شوند. در عین حال از آنجا که تعداد زیادی از طرفداران قانون اساسی و انقلابیون، کاتولیک بودند، تصمیم گرفته شد بجای طرد کلیساها، آنها را بازسازی ملی کنند. در سال ۱۷۹۲ کلیه کشیشان و روحانیون مجبور شدند قسم‌نامه‌ای را امضا کرده وفاداری خود را به ملت ابراز نمایند. مخالفت پاپ با این موضوع به انشقاق در داخل صفوف مردم و کلیساها در فرانسه منجر گردید. آندسته از کشیشان که از این امر سرپیچی کردند یا مجبور به ترک فرانسه شدند و یا اینکه به گوشه‌ای دورافتاده پناه بردند. غالب کشیشان به پلژیک، ساحل چپ رودخانه راین، کاتون‌های کاتولیک نشین سویس، و ایتالیا گریختند. غالب این نواحی در اواخر سال ۱۷۹۲ مورد تهدید ارتش فرانسه قرار گرفته در سال ۱۷۹۴ یعنی هنگامی که کنوانسیون مونتانیارد (CONVENTION DE MONTAGNARDE) مرزهای فرانسه را به راین و آلپ رسانید، مورد تجاوز قرار گرفتند. نتیجتاً آن دسته از پناهندگانی که به این سرزمین‌ها رفته بودند مجبور به عبور از اروپای مرکزی شده به سوی روسیه عزیمت کردند. تنها آن دسته که به انگلستان و اسپانیا پناهنده شدند، اجازه ماندن گرفتند. در آن زمان شارل چهارم پادشاه اسپانیا شدیداً مخالف عقاید انقلاب فرانسه بود و انگلستان نیز با آنکه از مدتها قبل از کلیسای پاپ پیروی نمیکرد نه تنها رقیب فرانسه به شمار می‌رفت بلکه با انقلاب نیز مخالف بود.

در میان دلایل عمده مهاجرین اروپایی برای هجوم به قاره جدید آمریکا، این گونه تعارضات ناشی از اعتقادات مذهبی، اهمیت خاصی داشت. بعداً همین برخورد در داخل آمریکانیز صورت پذیرفت. بدین ترتیب که گروه‌های تازه وارد به سبب تعارض عقاید به برخورد‌های خونینی با مهاجرین قبلی دست زدند. باید اشاره کرد که انگیزه‌های اقتصادی نیز متناوباً مهاجرت‌های ناشی از عقاید مذهبی را تشدید میکرد. در اروپا تنها پس از آنکه گروه‌هایی از یهودیان سعی در بدست گرفتن اهرم‌های اقتصادی اسپانیا و فرانسه و پرتغال نمودند، از این کشورها اخراج شدند، آنها پس از اخراج در دولت‌های نوخاسته اروپای مرکزی و شرقی که اعتقادشان را به همان اندازه غیرقابل قبول می‌دانستند ولی به مهارت‌های آنان احتیاج داشتند، سکنی گزیدند. نباید انکار کرد که توسعه طلبی اقتصادی و نیاز به مواد خام برای توسعه صنعتی، نقش اساسی در جابجایی جمعیت و مهاجرت اتباع کشورهای اروپایی بویژه در باز کردن پای اروپائیان به سایر نقاط جهان داشته است. گرچه ممکن است این حرکت که بیشتر جنبه تهاجمی برای چپاول سرزمین‌های نو یافته داشته، در مقوله حاضر ننگند. با این وجود تحولات دوره رنسانس و بعد از آن که ناشی از همین توسعه اقتصادی بود، واحدهای طبقاتی متفاوتی را بوجود آورد که تعارض آنها با یکدیگر و تمسکشان به هر یک از مذاهب پروتستان و کاتولیک و درگیری‌های ناشی از این تحولات، در مهاجرت به سرزمین‌های دیگر دخیل بوده است. بدین ترتیب روند مهاجرت، اخراج، و پذیرش پناهندگان در این دوره را نمی‌توان بدون مراجعه به منافع ایدئولوژیکی و اقتصادی دولت‌ها در این دوره جدا از آوارگان دو جنگ جهانی که بزرگترین جابجایی جمعیت در طول نیمه اول قرن حاضر به شمار می‌رود، پدیده آوارگی و پناهندگی در قرن بیستم تحول جالب توجهی را به ما نشان می‌دهد. بدین ترتیب که در عین حال که انگیزه‌های اصلی مهاجرت و پناهندگی یعنی جاذبه‌های اقتصادی و فرار از تحمیل عقیده مخالف، کمابیش دو عامل عمده را تشکیل می‌دهند، جهت حرکت جمعیت آواره دنیا عمدتاً به صورت معکوس درآمده است. درحالی که در قرون گذشته امواج پناهندگی از مرکز اروپا به سرزمین‌های اطراف این قاره سرازیر می‌گردید و جمعیت خواهان درآمد بیشتر و رفاه اقتصادی راه سرزمین‌های نویافته و سرشار از ثروت آسیا و آفریقا را در پیش می‌گرفت، اینک به دلایلی چند، از جمله ورشکستگی اقتصادی کشورهای این دوقاره به واسطه سیستماتیک شدن بهره‌کشی استعمارگرانه از آنها و تفاوت فاحش درآمد بین کشورهای این دوقاره و کشورهای اروپایی و آمریکا و همچنین تسلط اندیشه سکولاریسم (SECULARISM) در دوقاره اخیر و روی کار آمدن دولت‌های لائیک و گسترش آنچه که اصطلاحاً تحمل عقیده مخالف (TOLERANCE) خوانده می‌شود، این دوقاره مقصد نهایی آوارگان و پناهندگان جهان سوم گشته‌اند.

## ● پناهندگان در اثر ناملايمات گوناگون اقتصادی و اجتماعی و عوارض ناشی از عدم انطباق فرهنگی و سایر مسائل پیچیده‌ای که در جوامع پذیرنده با آن روبرو هستند، به افرادی ناپایدار، نگران، و نیازمند تبدیل می‌گردند که در اغلب موارد نیاز مبرم مادی و معنوی، آنان را به راههای ناخواسته می‌کشاند.

صلح را بپذیرد. کاوس از این خبر خشمگین شده طوس را نزد سیاوش می‌فرستد تا رهبری سپاه را بعهده گیرد و رستم را نیز به تصور دست داشتن در این توطئه به زابل تبعید می‌کند. سیاوش از ترس خشم پدر به افراسیاب پناهنده می‌شود و افراسیاب در ظاهر وی را به گرمی می‌پذیرد و به وی قولهایی می‌دهد:

بدرامت بی رنج فرزندانوار  
به گیتی تومانی زمن یادگار

سپاه و زر و گنج و شهر آن تست  
برفتن بهانه نیایدت جست

چو رای آیدت آشتی با پدر  
بسازم ترا تاج و تخت و کمر. (۸)

پس از چندی افراسیاب به پیشنهاد وزیرش پیران دختر خود فرنگیس را به ازدواج سیاوش درمی‌آورد. و حکومت بخشی از توران را به وی می‌دهد تا هم او را در مقابل پدر قرار دهد و هم از بازگشت به وطن منصرفش کند. گرسیوز که به موقعیت سیاوش غطه می‌خورد نزد افراسیاب از سیاوش بدگونی کرده و وی را نسبت به او بدبین می‌سازد:

سیاوش نه آنست کش دید شاه  
همی باسماں برافزاد کلاهد

فرنگیس را هم ندانی توباز  
تو گونی شدت از جهان بی نیاز

سپاهت بدو باز گردد همه  
نباشد شبان چون نباشد رمه (۹)

افراسیاب بدگمان دستور قتل سیاوش را می‌دهد. سیاوش به بدترین وجه کشته می‌شود و فرنگیس نیز به زندان می‌افتد. فرنگیس بدست پیران وزیر افراسیاب از زندان رهانی یافته نزد چوبانی پناه می‌گیرد تا کیخسرو زاده می‌شود. کیخسرو و فرنگیس به رای پیران از مرگ رهانی می‌یابند و پس از سالها در بیدری در توران و ختن، گیو آنها را یافته و به ایران نزد کاوس می‌آورد:

بدو گفت کای بانوی بانوان  
مبادی زانوده هرگز نوان

برویوم و بیوند بگذاشتی  
فراوان به ره رنج برداشتی

کنون شهر ایران سرای تو است  
مرا ره نماینده رای تو است (۱۰)

و پس از رشادت کیخسرو و فتح دژ بهمن توسط او، کاوس وی را بجای خویشتن به تخت شاهی می‌نشانند. (۱۱)

گذشته از تکرار ملودرام رستم و سهراب در داستان سیاوش، که در آن سیاوش رانده از درگاه پدر ایرانی قربانی توطئه‌های نیای تورانی‌اش گرسیوز می‌شود، فردوسی از قولهای مزورانه افراسیاب به سیاوش و در مقابل، صمیمی بودن کاوس در پذیرفتن فرنگیس و کیخسرو برده بر می‌دارد. نهایت سعی فردوسی را در ارزش گذاشتن و احترام به نهاد اعطای پناهندگی در پیام کیخسرو به افراسیاب می‌بینیم که توسط گرگین به توران فرستاده شد. در این پیام کیخسرو از فریب افراسیاب یاد می‌کند و بر نامردمی او ناسزا می‌فرستد:

برآشت کاس از آن آشتی  
ز رستم گمان برد پنداشتی

از این بر سیاوش یکی نامه کرد  
بدان تاز خویشان بر آورد گرد

بیچید گردن ز فرمان شاه  
بیامد ترا کرد پشت و پناه

ز بهر تو بگذاشت ایران زمین  
درفش و سپاه و کلاه و نگین

پناه تو جست ای بدبد نشان  
که گم باد نامت ز گردنکشان

سر شهر یاری چنان ارجمند  
بریدی بسان سرگوسپند. (۱۲)

با این وجود نباید فراموش کرد که گرچه افراسیاب بخاطر پشت کردن به اصول پذیرفته شده زمان در حمایت از پناهنده، «بد نشان» توصیف شده است، غرور ملی فردوسی جلوتر از آن عمل سیاوش یعنی سرپیچی از فرمان پدر و پناهنده شدن به بیگانه را بنحو آشکاری مذموم می‌شمارد.

از این مقوله می‌گذریم زیرا جستجو در احوال قهرمانان شاهنامه و داستانهای شیرین آن بحث دیگری لازم دارد و ما خوشه‌ای از این خرمن را از باب دلیل برچیدیم.

در تاریخ دوره ساسانی نیز می‌خوانیم پس از آنکه «خسرو دوم ملقب به برویز در جنگ با بهرام چوبین شکست خورد، بعد از عبور از دجله به سیرسزیوم که تابع بیزانس بود درآمد و رومی‌ها وی را با احترام پذیرفته دستور از قسطنطنیه خواستند. مورس امپراتور بیزانس حاضر شد خسرو برویز را پسر خود دانسته حمایت نماید تا به تخت ایران برگردد، به این شرط که او در ازای چنین همراهی ارمنستان ایران را با شهر دارا به دولت بیزانس واگذارد.» (۱۳) باید در نظر داشت آنچه که در این زمینه از متون تاریخی قابل برداشت است تا اندازه زیادی به طبقات ممتاز و غالباً شاهان و اعمال آنها منحصر می‌شود.

وگرنه شکی نیست که ستم شاهان و عمال آنها بر مردم طبقات پایین اجتماع خواه ناخواه می‌بایستی موجب حرکتی هر چند انفرادی در زمینه پناهندگی شده باشد. بویژه اگر توجه داشته باشیم که فی‌المثل یکی از خصائص بد مجازاتهای زمان ساسانی این بود که محکومیت مجرم از خود او به خانواده‌اش سرایت می‌کرد و اعضای خانواده (به‌خصوص اقربای نزدیک هم مورد تعقیب واقع می‌شدند. گرچه ظن قوی این است که این عمل در مورد جنایات سیاسی اعمال می‌شده است. (۱۴)

آنچه در تاریخ بعد از اسلام ایران در مورد نهاد پناهندگی وجود دارد بی شک آمیخته‌ای از این نهاد در تاریخ ایران قبل از اسلام و دستورات و سنن اسلامی است. بدون شک پس از گسترش دین مبین اسلام و اختلاط اجتماعی اقوام مختلف، نهادهای اجتماعی آنان منجمله سنن ایرانیان و اعراب بهمراهی تعالیم قرآن مجید، از منابع عمده حمایت از پناهنده و رعایت اصول پناهندگی بوده است.

فکر اعطای پناهندگی در میان اعراب حتی قبل از ظهور اسلام نیز شکل مذهبی داشته است. (۱۵) بدین صورت که در قلب بیابان مکانهای مقدسی حکم پناهگاه را داشت و بعضی از آنها مثل کعبه در حکم زیارتگاه بوده است. در میان این مکان‌ها کعبه مهم ترین مقام را داشته است. شاید کعبه که توسط حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل بدستور خداوند متعال ساخته شد در اصل بعنوان مأمن پناهندگان به حضرت حق بر پا گردید، چرا که ابراهیم خود از جور نمرود پادشاه بابل راهی فلسطین بود. پس از اطاعت پروردگار و ساختن خانه کعبه و سکونت خانواده‌اش در آن جا بود که حضرت ابراهیم به خداوند گفت:

«ربنا انی اسکت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عندبیتک المحرم ربنا لیقیموالصلوة فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم و ارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون.» (۱۶)

باحق پناهندگی، هر کس که در حرم کعبه در نزدیکی خانه کعبه پناه می‌گرفته است از هر گونه تعقیب و خطری که جسم و جان وی را به خطر اندازد در امان بوده و هر گونه شکستن این حرمت گناه به شمار می‌رفته است. قبایل عرب قبل از اسلام قواعدی برای حمایت و پناه دادن به بیگانگانی که بدان قبایل وارد می‌شدند داشته‌اند. سنت استجاره که در قرآن کریم بدان اشاره شده، از جمله این قواعد بوده است. استجاره بمعنای درخواست جوار یا همسایگی (یا در حقیقت حمایت می‌باشد) و اجاره، اعطای این حمایت به کسی می‌باشد که درخواست آنرا کرده است. (۱۷)

بر طبق نص قرآن مجید، هر مسلمان مجاز است از طریق نهاد «امان» به هر شخص غیرمسلمی - حتی اگر کافر باشد - که در زمان جنگ از تعقیب فرار کرده و به سرزمین اسلام (دارالاسلام) پناه برد پناهندگی بدهد:

«وان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلفه مامنه ذلک بانهم قوم لا یعلمون.» (۱۸) اگر کافری نزد شما پناه گیرند، از او حمایت کنید باشد که سخن حق را بشنود و او را ایمن سازید. چنین شخصی مستامن نام دارد و حق وی قابل تعرض نمی‌باشد. افراد خانواده و مال وی نیز در امان خواهد بود. امان صرف نظر از اینکه چه کسی آنرا اعطا کرده باشد، تعهدی بعهده تمام جامعه است و باید از طرف همه محترم شمرده شود. در اصل، مدت امان یک سال است و ظرف این مدت، مال و جان و حتی ملیت پناهنده تحت حمایت است. مستامن از حقوقی مثل حق فعالیت تجاری و ازدواج با «مستامنه» یا «ذمی» برخوردار می‌باشد. چنانچه در پایان یکسال، استفاده کننده از پناهندگی بخواهد در کشور پذیرنده باقی بماند، چنانچه یهودی یا مسیحی باشد باید بپذیرد که جزو اهل ذمه درآید. از این جهت ذمه گاهی «امان

در حقوق اسلامی، مفهوم امان متضمن دو نکته اساسی است. اول اینکه حق اعطای پناهندگی مقدس بوده و نمی توان آنرا از کسی دریغ داشت و دوم اینکه بهیچ عنوان نمی توان شخص را بمملکت اصلی اش برگرداند. (۱۹) می توان گفت که اسلام در میان اولین نهادهایی بوده است که اصل بازنگرداندن پناهنده و عدم اخراج افراد و پناهندگانی را که مرتکب جرائم سیاسی شده اند، پذیرفته است.

چنین اصلی از حقوق اسلامی رفتار نجاشی پادشاه مسیحی حبشه با عده ای از اصحاب حضرت رسول (ص) را به یاد می آورد که در ابتدای ظهور اسلام از ترس کفار قریش بنا به توصیه حضرت محمد (ص) پس از عبور از دریای سرخ به وی پناهنده شدند. نجاشی به درخواست کفار قریش که برای پس گرفتن این پناهندگان به حبشه رفته و هدایایی برای تطمیع او همراه داشتند و قعی نهاد و از برگرداندن مسلمانان سر باز زد.

گرچه در بعضی متون تاریخی، از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه بعنوان نوعی پناهندگی یاد می شود، نباید فراموش کرد که این هجرت بفرمان الهی صورت پذیرفته و بیشتر مصداق آیه شریفه:

«و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مرا غما کثیراً و سعة و من ینخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله و کان الله غفوراً رحیماً» (۲۰) می باشد و در حقیقت این هجرت را می توان جهاد در راه خدا تلقی کرد نه پناه جستن از ترس جان. با این وجود رفتار مردم یثرب (که بعداً مدینه النبی نام گرفت) با رسول اکرم (ص) و سایر مهاجرین، بدون شک از سنن قبایل عرب در پذیرش میهمان و پناهنده یا «اکرام الضیف» سر چشمه می گرفته است. در آن زمان «صفه» مقامی بود در مدینه محل سکون و اجتماع فقرای اصحاب حضرت رسول علیه الصلوه و السلام. «هر که او را مسکن نبود، در آنجا اقامت نمودی و اگر کسی به مدینه آمدی و آشنائی نداشتی که بدو فرود آید، به صفه نزول کردی و بعضی را عقیده بر این است که میان این صفه و خانقاه محل اجتماع صوفیان مشابَهتی است». (۲۱) نوشته اند که «در عمارت خانقاهها که نمونه های مخروبه ای از آنها در بلاد اسلامی، مثل نظنز و اصفهان دیده می شود، این آیه شریفه را که در حکم شعار اصلی خانقاه است کتیبه کرده اند: (۲۲)

«و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً. انما نطعمکم لوجه الله لاترید منکم جزاء و لا شکوراً» (۲۳)

بدین ترتیب خانقاه گرچه بعدها صرفاً محل سکونت صوفیان تلقی گردید، در اصل محلی برای اطعام و پناه دادن به مساکین و آوارگان بوده است. هر چند به خانقاه «زویه» نیز اطلاق شده است، اما به دلایل زیادی می توان گفت که زویه با خانقاه فرق دارد. امروزه نیز زویه در مورد جایگاههای مقدسی که از نظر مذهبی مورد احترام می باشد بکار گرفته می شود. این زویه ها مأمونی بوده است برای کسانی که از آفات دنیا بدان پناه می برده اند و یا در آنجا عبادت می پرداخته اند.

در تاریخ ایران بویژه تاریخ سده های اخیر، پناهنده و «مجاور» شدن در زویه های مذهبی یا به گفته ای «بست نشستن» برای در امان ماندن از خطر دشمنان، سنت پیوسته ای بوده و غالباً این حق محترم شمرده می شده است. گرچه بدستور ناصرالدین شاه برای دستگیری سید جمال الدین اسد آبادی بهنگام پناه گرفتن در حرم حضرت عبدالعظیم این حصن شکسته شد و سید دستگیر و تعبد گردید. ادوارد براون در کتاب انقلاب ایران می نویسد: «سرانجام شاه تصمیم به اخراج او از کشور گرفت. این کار مستلزم اقدامات شدیدی در آستانه مقدس معروفی بود که او در آنجا پناهنده شده بوده است. یک ستون از پانصد سوار در حالیکه سید در بستر بیماری بود برای توقیفش فرستاده و او را با اسکورت به مرز عثمانی روانه ساختند» (۲۴)

در غالب مکان های مذهبی و از جمله تکایا زنجیرهایی وصل بوده است که افراد برای دادخواهی و پناه بردن از شر دشمنان، خود را بدان می بسته اند و تنها در زمان صدارت امیرکبیر بود که بمنظور جلوگیری از فرار مجرمین از مجازات، این رسم برچیده شد.

از جمله روشهای مذموم دوره قاجار که به صورتی مرسوم در آمده بود، پناه بردن دولتمردان آن زمان و وابستگان آنها از شروسوسه های شاهان یا سایر رقیبان به سفارتخانه های دول بزرگ خارجی در تهران بود که بیشتر عنوان تحت الحمایگی داشت. این حمایت دول استعماری از منصوبین سفارتخانه هایشان تا آنجا پیش می رفت که به دخالت در سیاست داخلی و خارجی مملکت و تعویض صدراعظم ها و وزیران منجر شده و گاه همانند قضیه گریبایدوف به ایجاد آشوب و بلوا در داخل مملکت و حتی قطع روابط سیاسی دول با یکدیگر منجر می گردید. این رسم آنچنان از دید مردم آن زمان ناپسند

## ● پناهندگان که خود قربانی سیاست هائی از نوع تجاوز خارجی، جنگ، عدم تحمل عقیده مخالف، و اعمال زور و فشار میباشند، خواسته یا ناخواسته از سوی دولت ها بعنوان ابزارهای سیاست خارجی جهت اعمال فشار بر کشورهای متبوع پناهندگان به کار گرفته می شوند.

تلقی می شد که فرزندان و نوادگان شخص تحت الحمایه نیز بدین صفت مذموم موصوف بودند. غالب این تحت الحمایگان در مواقع شورش و بلوا و انقلابات، برچم کشور مربوطه را در بالای خانه خود می افراشتند تا از عوامل حکومتی مصون باشند.

«اتمام»

### توضیحات:

- ۱- حمایت پناهندگان: بررسی و پیشنهاد عمل، کمیته امریکائی پناهندگان، واشنگتن، ۱۹۸۳، صفحه ۱۲
  - ۲- مورها (Moors) مردمان مسلمانی از نژاد عرب و بربر بودند که در شمال آفریقا زندگی می کردند و اسپانیا را در قرن هشتم میلادی فتح کردند.
  - ۳- ایضا صفحه ۳
  - ۴- گزارش میزگرد جنبه های قبل از مهاجرت بدیده پناهندگی (سان رمو، ۲۷ تا ۳۰ آوریل ۱۹۸۲) انستیتیو بین المللی حقوق بشر دوستانه، سان رمو، ایتالیا، ۱۹۸۲، صفحه ۵
  - ۵- شاهنامه فردوسی، جلد سوم، به کوشش سعید نفیسی، چاپ بروخیم، تهران، ۱۳۱۳، صفحه ۵۲۶
  - ۶- ایضا صفحه ۵۵۶
  - ۷- ایضا صفحه ۵۶۹
  - ۸- ایضا صفحه ۵۹۰
  - ۹- ایضا صفحه ۶۳۹
  - ۱۰- ایضا صفحه ۷۴۹
  - ۱۱- ایضا صفحه ۷۶۳
  - ۱۲- ایضا زیرنویس صفحات ۷۸۰ و ۷۸۱
  - ۱۳- بیرنیا مشیرالدوله، حسن، و اقبال آشتیانی، عباس، دوره تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران، کتابفروشی خیام، صفحه ۲۲۶
  - ۱۴- مآخذ فوق، صفحه ۲۴۷
  - ۱۵- آرناتوت، غصان معروف، سنت عربی - اسلامی پناهندگی، دفتر کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان، ژنو، ۱۹۸۷، صفحه ۱۱
  - ۱۶- قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۳۷
  - ۱۷- آرناتوت، غصان معروف، سنت عربی - اسلامی پناهندگی، صفحه ۱۳
  - ۱۸- قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۶
  - ۱۹- آرناتوت، غصان معروف، سنت عربی - اسلامی پناهندگی، صفحه ۱۹
  - ۲۰- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۰۰
  - ۲۱- رجائی بخارانی، دکتر احمد علی، فرهنگ اشعار حافظ، چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴، صفحه ۱۶۳
  - ۲۲- همان مآخذ، صفحه ۱۹۲ به نقل از جلال همائی در صفحه ۱۵۴ مصباح الهدایه
  - ۲۳- قرآن کریم، سوره انسان، آیات ۸ و ۹
  - ۲۴- پامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۴۷، صفحه ۲۷۵
- در زیرنویس همین صفحه تذکر داده شده است که جرجی زیدان در مشاهیر الشرق بجای بانصدسوار پنجاه سوار می نویسد. اعتمادالسلطنه در یادداشت های روزانه خود پنج نفر نوشته و چنین می گوید: «حکم شد که پنج نفر غلام، سید را از حضرت عبدالعظیم ببرند به طرف عراق عرب» و باید گفته اخیر درست تر باشد.

### منابع این بخش:

#### ● الف: منابع انگلیسی:

- 1- Arnaout, Ghassan Maarouf, asylum in the Arab-Islamic tradition, UNHCR, Geneva, 1987.
- 2- Round table on pre-flow aspects of the refugee phenomenon (Sunremo, 27-30 April 1982), report, International Institute of Humanitarian Law, Sunremo, Italy, 1982.
- 3- Refugee Protection: An analysis and action proposal, United States Committee for Refugees, Washington, 1983

#### ب: منابع فارسی:

- ۱- پامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۴۷
- ۲- رجائی بخارانی، دکتر احمد علی، فرهنگ اشعار حافظ، چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴
- ۳- شاهنامه فردوسی، جلد سوم، به کوشش سعید نفیسی، چاپ بروخیم، تهران، ۱۳۱۳
- ۴- بیرنیا مشیرالدوله، حسن، و..... اقبال آشتیانی، عباس، دوره تاریخ ایران از سر آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران، کتابفروشی خیام